

اصطلاحات عربی یازدهم

اصطلاح	معنی	اصطلاح	معنی
قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ	گروهی گروه دیگر را	جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ	به بهترین شیوه با آنان ستیز کن
لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُمْ بَعْضًا	غیبت یکدیگر را نکنید	الْقَمِيصِ الرَّجَالِي	پیراهن مردانه
كِبَائِرُ الذُّنُوبِ	گناهان بزرگ	الْأَسْعَاظُ غَالِيَةٌ	قیمت ها بالاست (گران است)
قَطْعُ التَّوَاصِلِ	قطع ارتباط	مَنْتَجِرُ زَمِيلِي	مغازهء همکارم
كَمْ صَارَ الْمُبْلَغُ	چقدر شد؟ مبلغ چقدر شد؟	عَذَّبَ نَفْسَهُ	خودش را شکنجه نمود
حَسَّنَتْ خَلْقِي	آفرینش را نیکو گردانیدی	عِلْمُ الْأَحْيَاءِ	زیست شناسی
مُدْرَسُ الْكِيمِيَاءِ	دبیر شیمی	بِسُلُوكِهِ	با رفتارش
يَلْتَفِتُ تَارَةً	به یک باره برمی گردد	عَدَمُ الْإِلْتِفَاتِ	توجه نکردن
إِنْ كُنْتُ أَمِيرًا	اگرچه فرمانروا باشی	أَدَاءُ الْوَاجِبَاتِ الْمُدْرَسِيَّةِ	انجام تکالیف مدرسه ای
إِسْتَمَرَّ عَلَى سُلُوكِهِ	به شیوه و رفتار خود ادامه داد	لَا يَسْبِقُهُ بِالْكَلَامِ	در سخن گفتن جلو نمی افتد
فِي مَجَالَاتِ التَّرْبِيَّةِ وَ التَّعْلِيمِ	در زمینه های آموزش و پرورش	وَقْفَهُ التَّبَجِيلَا	احترام او را کامل نگه دار
نَقْصَ الْكَلَامِ	سخن کوتاه گردید	ظَوَاهِرِ الطَّبِيعَةِ	پدیده های طبیعت
مُحَافَظَةُ هَرْمَزِجَانِ	استان هرمزگان	مِنْ أَهَمِّ مَوَاصِفَاتِ	از مهمترین ویژگی ها
تَاْمُحِيطِ الْهَادِيءِ	اقیانوس آرام	ثَلَاثَةُ آلَافٍ وَ خَمْسَ مِئَةٍ	سه هزار و پانصد
إِنْتَاَجِ النَّفْطِ	تولید نفت	الْغَابَاتِ الْإِسْتَوَائِيَّةِ	جنگل های استوایی
أَشْجَارُ الْمَعْمَرَةِ	درختان کهن سال	عَلَى جَذَعِ شَجَرَةٍ	بر تنهء درخت
أَلْفَى سِنَةٍ	دو هزار سال	السَّنَةِ الْقَادِمَةِ	سال آینده
جَوَزَاتِ الْبَلُوطِ السَّلِيمَةِ	دانه های سالم بلوط	تَصْيِرُ شَجَرَةٍ	درختی می شود

ورزشگاه	الملعب الریاضی	مانند چراغدانی که در آن چراغی است	گُمَشْكَاءِ فِيهَا مِصْبَاحٌ
گلی خواهد زد	سَيُسْجَلُ هَدَفًا	پیش از آن که پر شود	قَبْلَ أَنْ يَمْتَلِئَ
دروازه بان	حارس مرمی	مرا واقعاً شکفت زده می کند	يُعْجِبُنِي جَدًّا
اگر قیامت شود	إِنْ قَامَتِ السَّاعَةُ	مساوی بدون گل	تَعَادِلًا بِإِلَّا هَدَفَ
سازمان یونسکو	منظمة اليونسكو	تاریخ زرین	التاريخ الذهبی
در فهرست میراث جهانی	في قائمة التراث العالمی	گنبد کاووس	قبة قابوس
خوشا به حال کسی که	طوبی لمن	تا شیوه آن ها عوض شود	حتى يُعْزِرَ سُلُوكَهُمْ
آنچه بدان علم نداری	ما لیس لك به علم	دیگران را زخمی نکن	لا تُجرح الآخرين
از لغزش در امانی	تسلم من الزل	به خاطر بدزبانی اش از او خوششان نمی آید	نكرهه لِفُحْشِهِ
خوش چهره	وسیم المیظر	در آنچه که به نفع او یا ضد اوست	في ما له أو علیه
متکبرانه به خود افتخار می کند	يَتَبَخَّرُ و يَتَبَاهِي	آنچه را نمی دانی	ما لا تَعْلَمُ
از عیدی خوشم می آید که...	يُعْجِبُنِي عِيدٌ....	روزهای کودکی ام	أيام صِغَرِي
بنابراین راستگو باش	إِذْنُ فُكُنْ صَادِقًا	سخن راست	صِدْقِ الْمَقَالِ
در زمان معین	في الوقت المَحْدَدِ	داستان کوتاه	قِصَّةِ قَصِيرَةٍ
آن را فراموش نخواهیم کرد	لَنْ نَنْسَاهُ	صندلی های ماشین	مَقَاعِدُ السَّيَّارَةِ
دست نخواهید یافت	لَنْ تَنَالُوا	امانت داری	أَدَاءَ الْأَمَانَةِ
تلفنی تماس گرفتند	فَاتَّصَلُوا هَاتِفِيًّا	در امتحان غیبت کنند	أَنْ تَعْتَبُوا عَنِ الْإِمْتِحَانِ
در گوشه ای از سالن	في زاوية من القاعة	یکی از چرخ ها پنچر شد	أَحَدَ إِطَارَاتِ انْفَجَرَ
آن ها را بیازمایید	إِخْتَبِرُوهُمْ	روزه گرفت و نماز خواند	صَامًا وَ صَلَّى
تحقیقات اسلامی	الدراسات الإسلامية	مدرک دکترا / گواهی نامه دکترا	شهادة الدكتوراه
دکترای افتخاری	دكتوراه فخرية	آشنایی / آگاهی از آن	الإطلاع عليه
در نهایت روانی / با فصاحت	بِكَلِّ طَلَاقة	سخنرانی می کرد	كانت تُلقِي مُحَاضِرَاتٍ
گفت و گوی دینی و فرهنگی	الحوار الديني و الثقافي	حدود / نزدیک به	ما يُقَارِبُ
اتحاد تمدن ها	الإتحاد بين الحضارات	کشیدن پل های دوستی	مُدُّ جُسُورِ التَّوَادُقِ

زمین سرسبز می گردد	تُصْبِحُ الْأَرْضُ مَخْضِرَةً	واژگان فارسی	المفرداتُ الفارسیَّة
آیا فشار خون دارید؟	أَضْغَطُ الدَّمِ عِنْدَكَ	عرب آن را نداشت	ما كانت عند الغرب
مرض قند	مرضُ السُّكَّرِ	در این هنر نو آوری کردند	أَبَدَعُوا فِي هَذَا الْقَرْنِ
شما سرما خوردید	أَنْتَ مَصَابٌ بِالزُّكَامِ	براساس زبانشان	وَفَقْأً لِأَلْسِنَتِهِمْ
آنچه پیشاپیش فرستاد	مَا قَدَّمْتَ	تغییر ساختار کلمات	تغییر بناء الكلمات
		بدون واژگان وارد شده	بدون كلماتٍ دخيلة



# مای درس

گروه آموزشی عصر

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)